



تأثیرات ظروف سرامیکی وارداتی بر طرح و نقش ظروف سفالی و سرامیکی داخلی در دوره قاجار*

علی اصغر شیرازی* زهرا قاسمی**

چکیده

در دوره قاجار کشورهای خارجی (اروپا و چین)، بازار ایران و سایر کشورهای مسلمان را در اختیار کالاهای صادراتی و ارزان قیمت خود درآوردند. با رشد روزافزون این واردات در سده ۱۴-۱۳.ه.ق. / ۱۹م. تولید بسیاری از صنایع بومی ایران دچار افول گردید. سفال و سرامیک دوره قاجار نیز از این تأثیرات جدا نبود و تولیدات آن تنها منحصر به بازار داخلی کشور شد که در بسیاری از موارد از نمونه‌های وارداتی تأثیر پذیرفته‌اند.

بنابر آنچه بیان شد، مقاله پیش‌رو با هدف تحلیل و تطبیق ظروف سفالی و سرامیکی داخلی و وارداتی، پانزده نمونه داخلی و هجده نمونه خارجی در دوره قاجار، تدوین یافته‌است و در آن تأثیرات ظروف خارجی بر طرح و نقش نمونه‌های داخلی بررسی شده‌است. از همین رو، تلاش نگارندگان این پژوهش بر آن است تا با پاسخ‌گویی به این پرسش که ظروف سرامیکی وارداتی در دوره قاجار چه تأثیراتی را بر طرح و نقش ظروف سفالی و سرامیکی داخلی نهاده‌اند، به هدف یادشده دست‌یابند.

شایان یادآوری است که این تأثیرات در چهار دسته؛ ظروف سفید- آبی به‌ویژه ظروف ساخت نائین، چینی‌های مینایی تقلیدشده از نمونه‌های وارداتی چین، ظروف تقلیدشده از ظروف ایزنیک (ترکیه) و ظروف چندرنگ قابل بررسی است. روش تحقیق به‌کاررفته، توصیفی- تحلیلی است و اطلاعات هم‌پا روش کتابخانه‌ای و میدانی گردآوری شده‌است.

پس از بررسی‌های لازم نتایج تحقیق بیانگر این بود که در سه دسته نخست از این تقسیم‌بندی، تأثیرات مستقیم در طرح و نقش کاملاً و به‌میزان بسیار آشکار است اگرچه در مواردی، تأثیرات غیرمستقیم را هم می‌توان مشاهده کرد. اما در دسته چهارم، این تأثیرات تقریباً به‌صورت غیرمستقیم صورت گرفته چنانکه تأثیرات پذیرفته‌شده نقاشی قاجاری از اصول نقاشی اروپایی در این دوره مانند برهنه‌گرایی، بهره‌گیری از سه‌بعد نمایی و چشم‌اندازها و صحنه‌های زندگی در نقاشی اروپایی بازتاب یافته‌است.

کلیدواژگان: دوره قاجار، اروپا، ظروف سفالی و سرامیکی، طرح و نقش.

* مقاله پیش‌رو، برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد زهرا قاسمی با عنوان "تبیین ویژگی‌های هنری ظروف سفالی و سرامیکی قاجار" به‌راهنمایی دکتر علی‌اصغر شیرازی است.

a_shirazi41@yahoo.com

** استادیار، دانشکده هنر، دانشگاه شاهد، تهران (نویسنده مسئول).

*** کارشناس‌ارشد پژوهش هنر، دانشکده هنر، دانشگاه شاهد، تهران.

مقدمه

هنر عصر قاجار، برداشتی از عناصر هنری کهن ایران در ترکیب با تأثیرات هنری از سایر کشورهای مرتبط به خصوص اروپا است که با ذوق و سلیقه هنرمندان این دوره پا به عرصه وجود نهاد. پدیده غرب‌گرایی با حضور کشورهای اروپایی در جهت تبادل تجاری و برای دستیابی به منابع طبیعی ایران در دوره قاجار فزونی یافت. در این امر، انگلستان و فرانسه و برخی کشورهای اروپایی از یک سو و روسیه به‌عنوان همسایه شمالی ایران از دیگر سو با یکدیگر رقابت داشتند. چین نیز در ادامه روابط تجاری، محصولات خود را به ایران روانه می‌کرد و ترکیه هم محلی برای صادرات و واردات محصولات ایران بود. در این راستا، بسیاری از محصولات مختلف به‌ویژه انواع ظروف سفالی و سرامیکی به ایران صادر می‌شد. این دسته از محصولات به لحاظ شکل، تزئینات و نوع ساخت مورد توجه هنرمندان و صنعتگران ایرانی قرار گرفت و در سده‌های ۲۰-۱۸م. / ۱۴-۱۲ ه.ق. بسیاری از طرح‌ها و اصول نقاشی غربی در مصنوعات این دوره به کار رفت. مقایسه و بررسی ظروف سفالی دوره قاجار نشانگر آن است که بسیاری از نقوش و الگوهای غیربومی در این نمونه‌ها، راه یافته‌است.

از این رو، پرسش اساسی مقاله حاضر این گونه است که ظروف سفالی و سرامیکی وارداتی در دوره قاجار به ایران، چه تأثیراتی بر طرح و نقش نمونه‌های تولیدی داخلی نهاده‌اند. بر این اساس هدف آن نیز، بررسی تأثیرات طرح‌ها و نقوش ظروف سرامیکی وارداتی از کشورهای مختلف به ایران در دوره قاجار بر روی ظروف سفالی و سرامیکی داخلی، از طریق تحلیل و تطبیق طرح و نقش‌های آنهاست.

تاکنون در زمینه سفال و سرامیک دوره قاجار، پژوهش‌چندانی انجام نشده‌است و اطلاعات منسجمی هم در این باره وجود ندارد. از این رو تلاش نگارندگان در این پژوهش بر آن است تا با توجه به ظروف سفالی و سرامیکی باقی‌مانده و در دسترس از این دوره چه وارداتی و چه داخلی، گامی را در جهت شناخت ظروف سفالی و سرامیکی دوره قاجار بردارند. بدین منظور، نخست اوضاع سیاسی و اقتصادی دوره قاجار مرور و سپس، وضعیت سفالگری این دوره بررسی شد. در نهایت با آوردن چندین نمونه، تأثیرات ظروف سفالی و سرامیکی وارداتی بر طرح و نقش نمونه‌های مشابه داخلی در طرح، تزئین و محتوای آنها مورد ارزیابی و مطالعه قرار گرفت.

پیشینه پژوهش

فلور^۱ (۲۰۰۴) در کتاب "صنایع دستی صنعتی در ایران دوره قاجار"^۲، هنرهای سنتی ایران را در روزگار قاجار بررسی کرده‌است.

مطالب بخشی از این کتاب به سفالگری اختصاص دارد و اطلاعات به‌نسبت مفیدی را از چگونگی این هنر-صنعت در این دوره ارائه می‌دهد لیکن به ویژگی‌های هنری آنها چندان اشاره نمی‌کند. *فهروری*^۳ (۲۰۰۰) نیز در کتاب "موزه سرامیک‌های جهان اسلام در طاروق رجب"^۴، سفال و سرامیک‌های جهان اسلام را در موزه طاروق رجب کویت معرفی نموده و این آثار را از نظر زمانی و مکانی و روش‌های فنی ساخت، طبقه‌بندی و توصیف کرده‌است. در میان این آثار نمونه‌هایی هم از دوره قاجار دیده می‌شود. در این کتاب تصاویری با کیفیت به چاپ رسیده است که مقاله حاضر نیز از بعضی از آنها استفاده شده است. همچنین *لین*^۵ (۱۹۵۷) در پژوهشی با عنوان "سفالگری متأخر اسلامی"^۶، با دیدی به‌نسبت انتقادی، سفالینه‌های قاجار را به‌طور اختصار بررسی کرده‌است. *الیور واتسون*^۷ (۲۰۰۶) هم در بخشی از کتاب "هنر اسلامی در قرن نوزدهم"^۸ که نتیجه پژوهش‌های جمعی از نویسندگان است، انواع سفالینه‌های قاجار را با استناد بر آثار موزه ویکتوریا و آلبرت لندن بررسی و طبقه‌بندی کرده‌است. پژوهش دیگر در این باره، "گرایش به غرب در هنر (قاجار، هند و عثمانی)" است که با همکاری چند پژوهشگر ایرانی و خارجی تألیف شده‌است. ضمن اینکه فصل‌هایی از آن هم به کلیات هنر قاجار اختصاص دارد. *اسکارس*^۹ (۱۳۸۸) نیز در پیوست کوتاهی از کتاب "تاریخ ایران کمبریج" در جلد هفتم بخش سوم آن با عنوان هنر ایران در سده‌های هجدهم و نوزدهم میلادی، اطلاعاتی کلی را درباره سفالگری دوره قاجار در اختیار خوانندگان قرار می‌دهد.

روش پژوهش

روش تحقیق به کار گرفته‌شده در این مقاله، توصیفی-تحلیلی است و اطلاعات مورد نیاز آن هم به روش کتابخانه‌ای و میدانی جمع‌آوری شده‌است. در واقع، با تطبیق نمونه‌های مورد مطالعه (جامعه آماری)، تأثیرات ظروف سفالی و سرامیکی خارجی بر طرح و نقش نمونه‌های داخلی در دوره قاجار، بررسی شده‌است.

نگاهی به تجارت خارجی ایران در دوره قاجار

اروپا در سده ۱۸م. / ۱۲ ه.ق. با واقعه انقلاب صنعتی در حوزه‌های مختلف مواجه شد که نتیجه آن، بالارفتن سطح تولیدات بود. انگلستان در رأس کشورهای صنعتی جدید قرار داشت و روسیه تزاری نیز به تدریج روش و فنون صنایع جدید؛ صنایع ماشینی را از اروپای غربی اقتباس کرد و کارخانه‌های متعدد پارچه‌بافی، شیشه‌گری، چینی‌سازی و ... راه‌اندازی کرد.

هفت‌رنگ در بناهای عمومی و کاخ‌های سلطنتی دیده می‌شود. با این همه، اطلاعاتی که در مورد چگونگی ساخت، کارگاه‌ها و مراکز تولیدی و هنرمندان و صنعتگران این دوره در دست است، نسبت به سایر دوره‌ها اندک است. در سفرنامه‌ها و یادداشت‌های مسافران و جهانگردانی چون پولاک^{۱۰}، روشسوارت^{۱۱} و المر^{۱۲} در دوره قاجار و همچنین نوشته‌های تعداد انگشت‌شماری از ایرانیان همانند اعتمادالسلطنه، حسین خان تحویلدار و عبدالحجت بلاغی اشاراتی به چشم می‌خورد که از تولید و ساخت کاشی و ظروف سفالی و سرامیکی در اقصی نقاط ایران حکایت دارد و در آنها به شهرهایی چون تهران، نائین، میبد، اصفهان، شیراز، قم، لالچین، نطنز، کاشان و کرمان به عنوان مراکز ساخت کاشی و سفال اشاره شده است. افزون بر اینها به نظر می‌رسد که در این دوره، تولیدکنندگان کالاهای سرامیکی سازماندهی صنفی داشته‌اند. میرزا حسین خان تحویلدار، یکی از صاحب‌منصبان حکومتی دوره قاجار (۱۸۷۷ م/ ۱۲۵۵ ه.ق.) در کتاب خود با عنوان "جغرافیای اصفهان"، به صنف فخارها یا سفالگران اشاره نموده است (تحویلدار، ۱۳۸۸: ۱۱۳). براساس سرشماری سال ۱۲۹۷ ه.ش، در تهران نیز حدود ۳۰ دکان کوزه‌گری و کوزه‌فروشی فعال بوده‌اند. مشاغل دیگری که در این سرشماری به آنها اشاره شده عبارتند از چینی‌فروشی، چینی‌بندزنی، بدل چینی‌فروشی و ظروف لعابی فروشی (سعدوندیان، ۱۳۸۸: ۲۴۳-۲۳۹).

اطلاعات موجود در زمینه سفال و سرامیک دوره قاجار، مؤید این نظر است که سفال و سرامیک تنها در مراکز محلی ساخته می‌شده و اگرچه در این دوره کوشش‌هایی برای ورود روش‌های جدید در صنعت سفال و سرامیک کشور صورت می‌گرفته اما با ناکامی‌هایی روبرو شده بود. چراکه چینی‌های ارزان قیمت وارداتی به خوبی نیاز مصرف‌کنندگان را برطرف می‌کرده و تقاضایی برای محصولات داخلی وجود نداشته است. همچنین از شواهد موجود چنین دریافت می‌شود که استعمارگران غربی نمی‌خواستند صدور سفال‌هایشان با تولیدات محلی تهدید شود. برای نمونه، در آماري که جمالزاده از کارخانه‌های ایران در روزگار قاجار آورده، از کارخانه چینی‌سازی حاج محمدحسن امین دارالضرب در تهران (علی آباد) و کارخانه حاجی عباسعلی و حاج رضا در تبریز نام برده است که سرانجام با دسیسه روس‌ها تعطیل شدند و ۱۳۰ هزار تومان متضرر شدند (جمالزاده، ۱۳۸۴: ۸۸). در یادداشت‌های اعتمادالسلطنه نیز به کارخانه چینی‌سازی حاج امین دارالضرب اشاره شده که ظاهراً تولیدات آن کیفیتی بهتر از نمونه‌های وارداتی داشته‌اند با این وجود، بعد از مدتی تعطیل شده است. وی همچنین از توسعه سفالگری نائین هم یاد می‌کند (عین‌السلطنه، ۱۳۷۴: ۱۰۶-۱۰۲).

از دیگر سو ایران برای بازرگانی خارجی و امور ترانزیتی، موقعیتی خاص داشت که توجه دولت‌های استعمارگر را بیش از پیش به خود معطوف می‌ساخت. چنانکه راه مشهور ابریشم، مدیریتانه را از طریق راه‌های ارتباطی شمال ایران به چین مرتبط می‌ساخت و همچنین، خلیج فارس ایران را به شبه قاره هند پیوند می‌داد. این موقعیت جغرافیایی سبب می‌شد که تجارت ایران از زمان صفویه رونقی چشمگیر یابد.

دوره اول سلطنت قاجار (۱۲۵۰-۱۲۱۰ ه.ق.)، با یک سلسله جنگ‌های دفاعی در برابر روسیه و عثمانی مقارن بود. در چنین اوضاعی، انگلستان پس از راندن رقیب خود فرانسه، برای گسترش نفوذ سیاسی و اقتصادی خویش در ایران فعالیت کرد. رقابت اقتصادی و سیاسی روسیه و انگلیس به گونه آشکاری در ایران نیز نمودار شد و از آن پس، دروازه‌های ایران به روی تاجران خارجی گشوده شد. بازرگانان روسی و انگلیسی با برخورداری از امتیازات تجاری، سیاسی و قضایی ناشی از عهدنامه‌های گلستان و ترکمنچای، به تدریج بر تجارت ایران مسلط شدند و بازرگانان ایرانی پس از ایستادگی‌هایی سرانجام به مشارکت با تاجران خارجی یا فروش کالاهای خارجی در داخل تن‌دادند. در نتیجه، تأثیر مستقیم این روند نابرابر هم صنایع داخلی را دچار ورشکستگی و انحطاط ساخت و هم موجب ضعف و ناتوانی تاجران و بازرگانان داخلی شد. چراکه تولیدات انبوه کالاهای خارجی به علت تنوع و قیمت ارزان آنها، مشتریان زیادی داشت و تولیدات داخلی قادر به رقابت با آنها نبودند. بدین گونه بازرگانی خارجی ایران سرانجام، در انحصار دو قدرت روس و انگلیس قرار گرفت. در این باره جمالزاده می‌نویسد: «می‌توان گفت که تجارت ایران در اختیار روس و انگلیس و منحصر به این دو دولت است. یعنی تجارت شمال با روسیه و تجارت جنوب با انگلستان و هند است. چنانچه اگر تجارت ایران را هشت قسمت نمائیم، قریب به هفت قسمتش با دو دولت مذکور و از این هفت قسمت نیز چهار قسمت و نیم با روسیه و دو قسمت و نیم با انگلستان و هند است و به عبارت آخری، بیش از نصف تجارت ایران با روسیه است و ربع آن با انگلستان و ربع دیگر با دول دیگر. وی مهم‌ترین دولت‌های دیگر را عثمانی، فرانسه، آلمان و اتریش می‌داند.» (جمالزاده، ۱۳۸۴: ۹).

وضعیت سفالگری در دوره قاجار

بطور کلی درباره تولید و ساخت سفال و سرامیک در دوره قاجار اطلاعات چندانی وجود ندارد و همواره این نگرش وجود داشته که در این مقطع زمانی، این صنعت با آخرین تولیدات خود در حال افول بوده است. اگرچه در این دوره کاربرد بسیار کاشی‌های

ضمن اینکه روزنامه دولتی وقایع‌التفاهیه در یازدهم ربیع ۱۲۶۷ ه. ق. ۵۱/ - ۱۸۵۰ م. نیز، گزارش می‌دهد که ناصرالدین شاه دستور ساخت ساختمانی بزرگ را در میدان ارگ داد تا چینی‌هایی با کیفیت بهتر نسبت به گذشته و کالاهای وارداتی در تهران، ساخته شود (وقایع‌التفاهیه، ۱۳۷۰، ج ۱: ۷). در رمضان ۱۲۸۱ ه. ق. ۱۸۶۵ م. نیز، گزارشی در آن مبنی بر صدور فرمان ناصرالدین شاه برای تأسیس و تکمیل کارخانه چینی‌سازی در یزد و نائین چاپ شد. هدایت‌الله خان^{۱۳} که در این زمینه مطالعاتی در پاریس داشت، کوشش کرد که آن را به‌انجام برساند. در این راستا به *اعتضاد السلطنه*، وزیر علوم و سرپرست دارالفنون در تهران دستور داد که کارشناسی ماهر در این زمینه، بیابد و کارخانه چینی‌سازی را در یزد برپا کند چنانکه جایگزینی برای ظروف چینی وارداتی شود (همان، ج ۲: ۷۴۸). بنابر آنچه بیان شد، می‌توان دریافت که مقوله واردات ظروف چینی تا چه میزانی در بازار ایران مطرح بوده و انگیزه رقابت با این محصولات را میان تولیدکنندگان داخلی و دولت برانگیخته است. اگرچه موفقیت چشمگیری در این باره به‌دست نیامده و همچنان نمونه‌های وارداتی اروپا و چین در ایران، بازار خوبی داشته و باهم رقابت می‌کرده‌اند. آن چنانکه برخلاف این اخبار دلگرم‌کننده موثق رسمی و باوجود اینکه این متون از تولید چینی‌هایی با کیفیت بهتر از نمونه‌های وارداتی یاد کرده‌اند، باین همه «بازدیدکنندگان اروپایی در ۱۲۳۸-۱۲۲۸ ه. ق. / ۱۸۶۰-۱۸۵۰ م. در مورد سرامیک‌های ایرانی نظر نسبتاً خوبی نداشتند و نوشته‌اند که کالاهای چینی تولید ایران بسیار سخت، درجه دوم و نامرغوب بوده‌اند. یکی از دلایل این احساس این بود که سفالگران ایرانی برای مواجهه با رشد رقابت واردات کالاهای مشابه خارجی، محصولات سرامیکی بهتری تولید نمی‌کردند.» (Floor, 2003: 79).

واردات کالاهای سرامیکی

با دست‌یافتن اروپا به صنایع ماشینی، بازار آسیا مکان مناسبی برای فروش تولیدات انبوه آن شد که کالاهای سرامیکی یکی از انواع این تولیدات بودند. بازدیدکنندگان جهانگردان خارجی دوره قاجار، آشکارا درباره مقوله واردات کالاهای ارزان قیمت سرامیکی از اروپا به‌خصوص انگلیس و روسیه و چین و استقبال مصرف‌کنندگان ایرانی از آنها سخن‌رانده‌اند. فلور به وجود واردات ظروف سرامیکی از اروپا، هند و بخارا (چین) کمی پیش از آغاز دوره قاجار و واردات کالاهای مشابه آنها از روسیه از اواسط سده نوزدهم میلادی اشاره نموده‌است. در این باره از قول فریزر مسافر انگلیسی این‌گونه بیان می‌کند: «من دانش خاصی از انواع ظروف چینی ندارم که به آن پردازم. اما مقدار قابل توجهی

واردات از چین از راه بخارا و هند وجود دارد. بدون شک فینجان‌های چای و قهوه، بشقاب‌ها، دیس‌ها و دیگر ظروف خوش‌نما و پر جلوه اما نه‌چندان گران چینی انگلیسی^{۱۴} به‌خوبی پاسخگوی نیاز بازار است. این کالاها می‌توانند بسیار ارزان‌تر از ظروف چین وارد شوند. در اواسط سده نوزدهم میلادی، کالاهای متداول (قوری، فنجان، گلدان، شکرپاش، کاسه و ظروف دیگر) از روسیه و کالاهای بهتر از بریتانیای کبیر به ایران وارد می‌شد و همچنین در میانه دهه ۱۸۵۰ م. / ۱۲۲۷ ه. ق. واردات بشقاب‌ها آغاز شد که پدیده‌ای نوظهور بود. زیرا ایرانیان در بشقاب غذا نمی‌خوردند و یا از آن به شیوه‌های دیگری استفاده می‌کردند. پس از آن بشقاب‌های کوچک (نعلبکی) در اشکال برگ‌ها و صدف در کمیت معقولی واردات داشتند که برای ارائه میوه و دیگر کاربردها استفاده می‌شدند.» (Floor, 2003: 79).

همچنین دو روش‌شوارت درباره الگوهای ویژه مرسوم و تثبیت‌شده‌ای در ظروف وارداتی بریتانیا که برای جلب سلیقه مصرف‌کنندگان ایرانی ساخته می‌شده و تولید مقدار زیادی از پرسلین‌های^{۱۵} رایج با کتیبه‌های طلسم و تعویذ ایرانی به‌دست روسی‌ها در گمرک آستاراخان و مسکو، سخن رانده‌است (دو روش‌شوارت، ۱۳۷۸: ۲۷۷). افزون بر اینها، مسافرائی چون پنجامین^{۱۶} و دونوان^{۱۷} نیز در این باره نوشته‌اند که ظروف مورد استفاده در میان طبقه بالای جامعه ایران در دوره قاجار از جنس نقره، مس قلع‌اندود یا چینی‌های سفارشی وارداتی از روسیه و چین بوده‌اند (Floor, 2003: 213).

این علاقه روزافزون به سرامیک‌های خارجی و دیگر کالاهای لوکس (شیک) حتی در دربار و حکومت ایران نیز دیده می‌شد. این مطلب از توضیحات اعتمادالسلطنه سال ۱۸۸۰ م. / ۱۲۹۸ ه. ق. درباره خلاصه‌ای از تغییرات دربار ناصرالدین شاه، دریافت می‌شود (عین‌السلطنه، ۱۳۷۷: ۳۷۷). جنیفر اسکارس نیز وجود مقادیر بسیار زیادی از انواع گوناگون ظروف و لوازم سفالی انگلیسی متعلق به سده نوزدهم میلادی را در مغازه‌های عتیقه یا خنزرینزر فروشی‌های تهران، دلیلی بر رقابتی جدی در زمینه سفال‌های وارداتی می‌داند. این رقابت در سطحی بالاتر در سرویس‌های غذاخوری کاخ گلستان که فتحعلی‌شاه به کارخانه‌های کراون‌دربی وجود^{۱۸} سفارش داده بود و در بردارنده نوشته‌هایی با نام وی و تاریخ است یا در نمونه‌های تاریخ‌داری از ظروف صادراتی ساخت چین که روی آنها نام مسعود میرزا پسر ناصرالدین شاه نوشته شده، قابل ملاحظه است (اسکارس، ۱۳۸۸: ۵۵۵).^{۱۹} براساس اطلاعات بیان‌شده، این چنین به‌دست می‌آید که طبقات متمول و حتی متوسط جامعه در این دوره، خواستار ظروفی با کیفیت نمونه‌های اروپایی بودند.



تصویر ۱. موزه ویکتوریا و آلبرت، شماره: C.29-1984
(<http://v&a.museum.collections.vam.ac.uk>).

این اتفاق، یکی از دلایل نزول صنعت سفالگری در دوره قاجار است. در تصویر ۱، نمونه‌ای از ظروف ساخت کارخانه وچوود انگلیس به سفارش فتحعلی‌شاه و در تصویرهای ۲-۶، نمونه‌هایی از ظروف وارداتی ساخت روسیه، انگلیس و فرانسه دیده می‌شود.

برای دستیابی به اهداف این پژوهش، نخست نمونه‌هایی از ظروف اروپایی تأثیرگذار بر نمونه‌های قاجاری ارائه شده و سپس تأثیرات شکل، طرح و نقش این نمونه‌ها در انواعی از سفالینه‌های قاجار ارزیابی شده‌اند.

معرفی نمونه‌هایی از ظروف وارداتی اروپا و چین

بین چینی‌آلاتی که به ایران وارد می‌شده، ظروف ساخت انگلیس و چین بیشتر از سایر نمونه‌های مشابه وارداتی بر طرح و نقش سفالینه‌های تولیدشده در داخل تأثیرگذار



تصویر ۳. بشقاب کوچک، احتمالاً ساخت روسیه، موزه مردم‌شناسی کاخ گلستان (نگارندگان).



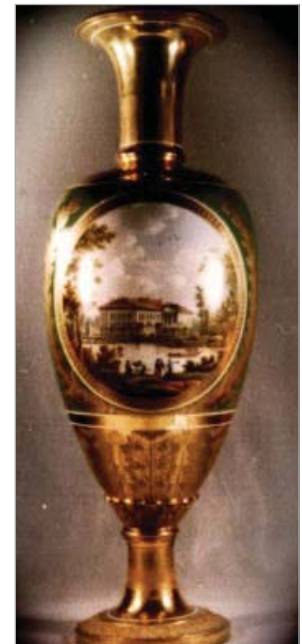
تصویر ۲. دیس چینی، ساخت انگلیس، موزه قاجار تبریز (نگارندگان).



تصویر ۶. گلدان، احتمالاً ساخت روسیه، موزه کاخ گلستان (نگارندگان).



تصویر ۵. کاپ تزئینی اروپایی، هدیه شاهان فرانسه به شاهان قاجار، موزه کاخ گلستان (نگارندگان).



تصویر ۴. گلدان، ساخت فرانسه، آرشیو موزه کاخ گلستان (نگارندگان).

بوده‌اند چنانکه پژوهشگرانی چون لین، واتسون و اسکارس نیز به این مطلب اشاره نموده‌اند. اگرچه چینی‌های ساخت روسیه نیز به مقدار زیادی به ایران وارد می‌شد لیکن طرح این ظروف‌ها بیشتر کپی یا برگرفته از نمونه‌های انگلیس و به‌خصوص چین بود. از همین رو در اینجا تلاش شده تا با معرفی چند نمونه و تطبیق آنها از نظر شکل، طرح، نقش و رنگ این مطلب روشن‌تر گردد.

در سده هجدهم میلادی، عادات غذاخوری جدید در اروپا خواستار ظروف جدید به‌خصوص سرویس‌های شام شد. چینی‌های لوکس به اشراف و ثروتمندان از سوی کارخانه‌های اروپایی به‌ویژه میسن^{۲۰} و سور^{۲۱} عرضه می‌شد. سرویس‌های شام مجموعه‌ای از بشقاب‌ها، دیس‌ها و کاسه‌های سرو در شکل‌ها و اندازه‌های مختلف بود که با جزئیاتی از یک الگو تزئین شده بودند تا از این طریق به یک میز رسمی، دید یکسانی داده شود. به‌زودی تولیدکنندگان چینی به دنبال این صنعت در حال ظهور انگلیسی در استافوردشایر^{۲۲} به رهبری وچوود، شروع به پیشرفت کردند. سفالگران استافوردشایر سرویس‌های غذاخوری را به‌صورت تولیدات انبوه در بازار ارائه دادند و پیرو آن، سفالگران چین کپی‌های حرفه‌ای از ظروف چینی انگلیسی را تولید و دوباره به غرب فرستادند. ویلوپترن^{۲۳}، مشهورترین این الگوهاست. ضمن اینکه در انگلیس، صنعت چاپ هم توسعه یافت و به‌عنوان شیوه‌ای از تزئین که تولید انبوه الگوهای پر جزئیات را ممکن می‌ساخت، در ساخت بدنه‌های ظروف سفالی به‌کار رفت. حال آنکه در چین، این تزئینات با دست کپی می‌شد (Watson, 2006:337- 338). الگوی ویلو^{۲۴} (درخت بید) طرحی است که براساس یک داستان کهن چینی ترسیم و مشهور شده است. در واقع، نمونه‌هایی از ظروف هستند که در انگلیس، روسیه و چین برای صادرات ساخته شده‌اند. شکل این بشقاب‌ها با تفاوت‌های جزئی در تناسبات، ویژگی‌های یکسانی چون لبه‌های پهن و فضای مرکزی که نسبت به لبه‌ها در ارتفاع کمی پائین‌تر قرار گرفته، دارند. همچنین تمامی آنها در حاشیه‌ها با انواع نقوش هندسی و گیاهی تزئین شده‌اند و در بیشتر آنها طرح اصلی در فضای مرکزی قرار گرفته است (تصویرهای ۱۱-۷).

ظرفی که در تصویر ۱۱ دیده می‌شود، اگرچه شکل متفاوتی نسبت به بشقاب‌ها دارد لیکن دارای دو فضای مجزای تزئین شده؛ حاشیه و بدنه است. در لبه‌ها و حاشیه ظرف نیز تزئیناتی از نقوش هندسی و نوارهای طلائی به اصطلاح طلاکوب به‌کار رفته است. نوارهای طلائی در لبه‌ها و حاشیه‌های بشقاب نیز دیده می‌شود (تصویر ۹). در تصویرهای ۷، ۹ و ۱۱، الگوی ویلو در فضای اصلی سطح ظروف نمایان است. بشقاب تصویر ۹ که

در موزه ویکتوریا و آلبرت لندن نگهداری می‌شود، «از ظروفی است که در چین ساخته شده ولی در ایران یافت شده است. طرح این بشقاب شبیه تزئینات چاپی ظروف استافوردشایر است. این طرح‌ها توسط اروپائیان برای صادرات کالاهایشان از ظروف چینی کپی برداری شد و دوباره توسط چینیان برای کالاهای صادراتی مورد استفاده قرار گرفت. این طرح‌ها توسط مشتریان اروپایی، طرح‌هایی شرقی و خوش‌رنگ و رمزآلود می‌نمود، هر چند از ذائقه و سلیقه چینیان دور شده بود.» (<http://collections.vam.ac.uk>)

این بشقاب، یکی از نمونه‌های وارداتی است که منشأ الگوی ویلو را به سفالگر ایرانی معرفی کرده است. در این نمونه، می‌توان نقش مایه‌های چینی را در فضای اصلی و نقش مایه‌هایی اسلامی همچون اسلیمی‌های طوماری، هندسی و نقوشی شبیه به شرفه‌های تذهیب را در حاشیه اطراف آن مشاهده کرد. این تزئینات نشان می‌دهد که چگونه نقش مایه‌های بومی در بازارهای تجاری و تحت سلیقه مصرف‌کننده تغییر شکل یافته و در گستره جغرافیایی منتشر می‌شوند.

بررسی تأثیرات مستقیم ظروف وارداتی در انواع از سفالینه‌های قاجار

انواع سفالینه‌های قاجاری^{۲۵}

اگرچه در طبقه‌بندی سفالینه‌های قاجاری نمی‌توان ویژگی مشترکی را مبنا قرار داد باین حال، در مقاله پیش‌رو تلاش بر آن است تا طبقه‌بندی دقیق‌تری از این سفالینه‌ها ارائه گردد. از دیگر سو چون شرح همه آنها در این مبحث نمی‌گنجد تنها چهار گروه اول که به سؤال مطرح در این مقاله مرتبط هستند، بررسی شده‌اند.

انواع ظروف سفالین و سرامیکی قاجار از نظر نوع ساخت و شیوه تزئین به هفت گروه طبقه‌بندی می‌شوند که تأثیرات طرح و نقش ظروف سفالی و سرامیکی وارداتی بر چهار دسته نخست این تقسیم‌بندی، قابل بررسی است. این چهار دسته عبارتند از: ۱. ظروف سفید-آبی، ۲. ظروف چندرنگ قاجاری به شیوه نقاشی زیرلعابی (پلی کروم)^{۲۶}، ۳. ظروف چندرنگ تقلیدی از سفالینه‌های ایزنیک، ۴. ظروف معروف به چینی مرغی (سفالینه‌های مینایی چین)، ۵. ظروفی با تزئینات قلم‌سیاه زیرلعاب فیروزه‌ای (ادامه تولید نوعی از ظروف کوباچه دوره صفوی، ۶. ظروف زرین‌فام، ۷. ظروف گامبرون.

- ظروف سفید-آبی به‌ویژه ساخت نائین

از آنجاکه ظروف ساخت نائین که در این بخش درباره آنها بحث می‌شود زیرمجموعه سفالینه‌های سفید-آبی هستند، نخست لازم دیده شد تا درخصوص این‌گونه سفال، شرح



تصویر ۸. چینی ساخت روسیه، موزه ویکتوریا و آلبرت،
شماره: c. 25-2004
(<http://v&a museum.collections.vam.ac.uk>).



تصویر ۷. بشقاب، ساخت انگلیس، موزه ویکتوریا و آلبرت،
شماره: CIRC.239-1916
(<http://v&a museum.collections.vam.ac.uk>).



تصویر ۱۰. بشقاب، ساخت به سفارش انگلیس، موزه قاجار
تبریز (نگارندگان).



تصویر ۹. بشقاب، ساخت چین، موزه ویکتوریا و آلبرت،
شماره: 545-1888
(<http://v&a museum.collections.vam.ac.uk>).



تصویر ۱۱. پارچ، ساخت انگلیسی چین، موزه قاجار تبریز
(نگارندگان).

مختصری آورده شود. روش تزئین سفالینه‌های سفید-آبی نوعی نقاشی زیرلعاب است که از سده‌های سوم و چهارم ه.ق. آغاز شد. در این گونه نقاشی، ابتدا بدنه سفالی با لایه‌ای از لعاب سفید پوشیده و سپس روی آن با نقوش آبی و لاجوردی و سیاه نقاشی می‌شد. رنگ آبی برای سطوح و رنگ سیاه برای دورگیری و پرداختن به جزئیات کاربرد داشت. در نهایت با لعابی شفاف و شیشه‌ای، روی آن پوشانده می‌شد. اوج اعتلای تکنیک ساخت و تنوع طرح سفال سفید-آبی را می‌بایست در دوره صفوی جستجو کرد.

ساخت و تولید ظروف سفید-آبی در دوره قاجار همچنان ادامه داشت اگرچه این تولیدات از کیفیت و مرغوبیت نمونه‌های صفوی برخوردار نبودند. استفاده از رنگ لاجوردی تیره روی زمینه سفید، ظروف ساخته شده این دوره را از ظروف صفوی متمایز می‌ساخت. افزون بر اینها در این دوره، نوعی ظروف جدید با نقوش آبی مایل به سیاه و تزئینات مشبک با لعاب

شفاف در شهر نائین ساخته می‌شد (توحیدی، ۱۳۸۴: ۲۸۸). ضمن اینکه طرح، تزئینات و اشکال سفالینه‌های سفید-آبی تولیدشده در دوره قاجار تاحدی از نمونه‌های مشابه صفوی پیروی کرده‌است. در برخی از موارد هم این نمونه‌ها، طرح‌هایی مشتق از ظروف وارداتی خارجی به‌خصوص چین و انگلیس دارند که در ترکیب با طرح‌های بومی، رنگ و بوی ایرانی به‌خود گرفته‌اند. البته بر برخی از نمونه‌ها نیز ویژگی‌های خاص نقش و طرح قاجاری مسلط است. در متون دوره قاجار و نوشته‌های پژوهشگران از سفالینه نائین بسیار یاد شده‌است که نشان از معرفیتش در این دوره دارد. آرتور لین، به‌انواعی از ظروف سفید-آبی نائین که تزئینات آنها علاوه بر نقاشی، با سوراخ‌های ستاره‌ای شکل (فضاهای منفی) پرشده‌ای از لعاب شفاف که به‌شکل الگوهایی از پرندگان و گل‌ها در کنار هم نظم گرفته‌اند، اشاره نموده‌است. وی همچنین از آنها به‌عنوان کارهای هنری توده‌پسند که به‌میزان خوبی در این دوره تولید می‌شده‌اند، یاد کرده‌است (lane, 1957: 100-101). واتسون نیز از نائین به‌عنوان مرکزی فعال در زمینه صنعت سفال و سرامیک نام برده و در این باره نوشته‌است که سفالگران ایرانی با مشاهده کالاهای وارداتی شرق و غرب کوشش‌هایی برای تقلید از این محصولات انجام دادند. از همین رو، نائین در مرکز ایران و جانشین خلف آن می‌باید که تا سده بیستم میلادی فعال بود، به‌عنوان محل ظهور و رشد این محصولات از اهمیت بسیاری برخوردار شدند. این نمونه‌ها مشخصه‌های تکنیکی بسیاری از سفالینه‌های قاجاری را همچون بدنه‌ای از جنس خمیر شیشه، بی‌دوام، نازک و درخشان و دارای لعاب شفاف به‌نسبت ناهموار نشان می‌دهند (Watson, 2006: 338). نمونه‌های این ظروف در موزه‌ها و مجموعه‌های خصوصی به تعداد زیاد یافت می‌شود که بیشتر در پشت بدنه دارای امضا و تاریخ هستند. جنیفر اسکارس نیز درباره ظروف نائین این چنین می‌نویسد: «دو روش‌شوارت و المر از گروهی سرامیک‌های ممتاز نام برده‌اند که با رنگ آبی نقاشی می‌شده‌اند و آنها را به نائین نسبت داده‌اند. دوروش‌شوارت می‌گوید ظروف نائین یگانه اجناس معاصر هستند که امضا و تاریخ دارند و با طرح‌های آبی کبالت (آبی لاجوردی) نقاشی شده‌اند. او مطمئن است که آنها با خمیرمایه ترکیبی ساخته شده‌اند و آنها را با ساخت چینی-انگلیسی مقایسه می‌کند. طرح‌ها عبارت‌اند از ترکیبی از مناظر چینی با معابدی که انواع پرندگان ایرانی و درختان سرو در آنها نقش شده‌است. او همچنین از نطنز به‌عنوان مرکز تولید این نوع سفالینه نام برده اما چون نگفته‌است که خمیرمایه و لعاب آن از نائین پست‌تر است، هیچ برتری نمی‌توان برای آن قائل شد. بنابراین بهتر است نمونه‌های

باقی مانده از سده نوزدهم میلادی ایران را با محصولات نائین سنجد. این ظروف و لوازم خمیرمایه دانه‌دانه‌های سفید دارند که در زمان پخت مایل به صورتی نخودی می‌شوند و به‌شکل کاسه و بشقاب‌های کم‌عمق هستند. توالی تاریخ‌ها و امضاهای آنها از ۱۲۸۱ ه.ق. (۵-۱۸۶۴ م./ ۴-۱۲۴۳ ش.) تا ۱۳۱۸ ه.ق. (۱-۱۹۰۰ م./ ۱۲۷۹ ش.) را در بر می‌گیرد اما تولید آنها تا ۱۳۱۴ ه.ق. (۱۹۳۵ م.) که صنعت فرش‌بافی جای سفالگری را می‌گیرد، ادامه می‌یابد. این ظروف، هم دارای نقش معابد چینی که روش‌شوارت ذکر کرده و هم پرندگان و ماهیان ایرانی با شاخه گل‌ها هستند که احتمالاً از سفالینه‌های وارداتی استافوردشایر الهام گرفته‌اند.» (اسکارس، ۱۳۸۰: ۵۵۶).

با مشاهده ظروف ساخت نائین و طبق نظرات سایر پژوهشگران که در مطالب بالا ارائه شد؛ دریافت می‌شود که در دوره قاجار ظروف سفید-آبی ساخت نائین، تأثیرات مستقیمی را از شکل و طرح الگوهای چاپی ظروف وارداتی انگلیس پذیرفته‌اند. نکته قابل توجه اینست که سفالگران این دوره به‌منظور الگوبرداری از تزئینات چاپی ظروف وارداتی که بخش عمده‌ای از آنها آبی‌رنگ بودند، شیوه سفید-آبی را احتمالاً به‌دلیل شباهت رنگی مناسب دیده‌اند.

در تصویرهای ۱۴-۱۲، سه نمونه از بشقاب‌هایی معرفی می‌شوند که دارای مشخصات ظروف ساخت نائین هستند و از نظر طرح و رنگ با ظروف وارداتی چین و انگلیس، ویژگی‌های مشترکی دارند (تصویرهای ۱۱-۷).

تصویر ۱۲، بشقاب تاریخ‌داری است که در پشت آن عبارت "عمل ابوالقاسم ۱۲۸۸" دیده می‌شود. این ظرف از دسته ظروف سفید-آبی است، شکل و طرح آن هم تقلیدی از طرح‌های چاپی ظروف مشابه وارداتی استافوردشایر در این دوره است. فضای درونی

ظرف با نقش ساختمان‌های سنتی چین معروف به پاگودا^{۲۷} و درختان و گیاهان چینی طرحی مشتق از الگوی ویلو، تزئین شده‌است که البته به‌سبب اجرای نقوش با دست، به دقت و ظرافت نمونه‌های اصلی نیست.

تصویر ۱۳، بشقاب دیگر است که در گروه سفالینه‌های سفید-آبی قرار^{۲۸} می‌گیرد. تزئیناتی به‌شیوه اسگرافیتوروی گلابه قهوه‌ای و سیاه در حاشیه لبه‌های پهن این بشقاب در کنار نقاشی‌های آبی کبالت، از ویژگی‌های نمونه‌های ساخت نائین است. بدنه این بشقاب دربردارنده دو فضای تزئین شده؛ بخش دایره‌شکل مرکزی و حاشیه پهن اطراف آن است که متأثر از شکل ظرف‌اند. شکل بشقاب، کاربرد نقوش گیاهی استیلیزه^{۲۹} متراکم در حاشیه و همچنین بوته گل مرکزی که با رنگ آبی روی زمینه سفیدرنگ اجرا شده،



تصویر ۱۳. سفالینه سفید- آبی، موزه ویکتوریا و آلبرت،
شماره: 868-1786
(http://v&a_museum.collections.vam.ac.uk).



تصویر ۱۲. بشقاب سفید- آبی، موزه ویکتوریا و آلبرت، شماره: 545-1888
(http://v&a_museum.collections.vam.ac.uk).



تصویر ۱۴. موزه ویکتوریا و آلبرت،
شماره: 1018-1876

(http://v&a_museum.collections.vam.ac.uk).

اقشار مختلف جامعه از آنها، این سفالینه‌ها تأثیرات عمده‌ای را بر هنر سفالگری قاجار نهادند. به گونه‌ای که در این دوره طرح، نقش و شیوه ساخت و تزئین این ظروف وارداتی به میزان قابل توجهی مورد اقتباس و تقلید سفالگران بومی بوده‌است. نمونه‌های این ظروف در نقاشی‌های دوره قاجار قابل مشاهده است چنانکه جنیفر اسکارس نیز در شرح این ظروف می‌نویسد: «... بطور کلی از ارضای ذوق ایرانی برای سفالگری رنگارنگ، از طریق واردات از اروپا و خاور دور می‌توان صحبت کرد که نمونه‌های آن در نقاشی‌های اوائل قاجاریه ترسیم شده‌اند. کاسه‌های گلدار و بشقاب‌هایی با گل‌های فراوان افشان و حاشیه‌های مشبک. مقداری از ظروف و لوازم سفالی چندرنگ ایرانی نیز در داخل تولید می‌شد که بسیاری از آنها باقی مانده‌است. ساخت آنها عالی و از سفال زرد نخودی و پوشیده از اکسید قلع سفیدرنگ کدر که سطح ظرف را برای تزئین مناسبی از نقاشی مینای شفاف آماده می‌کرد. آبی کبالت، ارغوانی، زرد، سبز چمنی، سرخ آهنی و لکه‌های طلایی. شکل‌های آنها نیز پر زرق و برق و شادند،

متأثر از تزئینات ظروف وارداتی است. در پشت این بشقاب هم عبارت "عمل محمد نصر ۱۲۸۱" دیده می‌شود.

بشقاب تصویر ۱۴ نیز جزء قطعات تاریخداری است که احتمالاً در نائین و میبد برای مقابله با ظروف وارداتی ساخته شده‌است. این نمونه، دارای مشخصات تکنیکی سفالینه‌های قاجاری است که پیش‌تر بیان شد. شکل و تزئینات آن که شامل لبه پهن و فضای اصلی درونی با ارتفاع کمتر نسبت به حاشیه و تزئیناتی از نقوش گیاهی شلوغ و متداخل در حاشیه اطراف و لبه طلاکوب است، همگی متأثر از نمونه‌های وارداتی است. باینکه فضای اصلی درونی آن با خط نستعلیق خوش و آیه‌ای از قرآن^{۲۰} تزئین شده‌است لیکن واتسون طرح این حاشیه را تقلیدی استادانه مشتق از ظروف وارداتی ساخت استافوردشایر انگلیس می‌داند. این نوشته درون شکلی هندسی محاط شده و اطراف آن نقوشی شبیه شرفه‌های تذهیب نمایان است. این بشقاب نیز از معدود ظروف دارای امضا و تاریخ است. ضمن اینکه پشت آن هم امضای هنرمند "عمل حسن علی ۱۲۵۶ ه.ق." که نام سفالگر یا خوشنویس آن است، دیده می‌شود.

چینی‌های مینایی ساخت چین معروف به چینی مرغی و نمونه‌های تقلیدی از آنها

ظروف مینایی ساخت چین، نوعی از سفالینه با تزئینات رنگارنگ رولعابی است که از سده دوازدهم ه.ق. به ایران وارد می‌شد. چینی‌های میناکاری شده در ایران بسیار گران‌قیمت بودند. در دوره حکومت چینی لانگ (۱۷۹۶-۱۷۳۶ م.)، چینی‌آلات با نقش گل بسیار ساخته می‌شد. پس از آن در سده سیزدهم ه.ق.، این نوع ظروف در ایران شبیه‌سازی می‌شد. هنر ساخت چینی‌های میناکاری شده در دیگر مناطق آسیای مرکزی نیز تقلیدی می‌شد (خلیلی و ورنویت، ۱۳۸۳: ۱۵۲). با شدت گرفتن واردات این ظروف در دوره قاجار و استقبال

این نوع ظروف وارداتی از چین، نقوش رنگارنگ گل و مرغ، پروانه و صحنه‌هایی از زندگی انسان‌های چینی است (تصویرهای ۱۵ و ۱۶) که به دلیل استقبال عموم، سفالگران ایرانی عیناً از آنها تقلیدی کردند. لیکن به تدریج صحنه‌هایی از زندگی انسان‌های ایرانی با لباس‌های قاجاری و مناظر ایرانی و اروپایی معمولاً درباریان، جایگزین مناظر و پیکره‌های چینی در این ظروف شدند (تصویر ۱۷). در میان این نوع چینی‌آلاتی که به ایران وارد شده بود، نمونه‌هایی دارای نوشته نیز همچون چند بشقاب متعلق به فتحعلی‌شاه و ظروفی که از آن مسعود میرزا ظل‌السلطان، پسر بزرگ ناصرالدین شاه و والی فارس بود، وجود داشت. این ظروف به سفارش شاهان، شاهزادگان، مقامات دولتی، تاجران و اشراف ساخته می‌شد و معمولاً در کتیبه‌ای روی ظرف، تاریخ و نام سفارش‌دهنده یا ابیاتی از اشعار معروف به خط ثلث یا نستعلیق نوشته می‌شد (تصویر ۱۵). تصویر ۲۲، نمونه‌ای دیگر از ظروف با تزیینات رولعایی قاجار را نشان می‌دهد که برگردان کاملی از نمونه‌های صادراتی اروپا با نقشی معروف به گیلان چین "the Cherry Pickers" است. براساس طرحی از نقاش فرانسوی بادوین آنتوین^{۳۲}، به نظر می‌رسد سفالگر ایرانی براساس نمونه اصلی که در اختیار داشته این ظرف را ساخته است (تصویر ۲۳). طرح روی این ظرف نخست از اروپا برای صادرات به چین فرستاده شد و دوباره سفالگران چینی آن را به منظور صادرات، به اروپا برگرداندند. در این

ضمن آنکه طرح‌ها ملغمه‌ای از مضامین ایرانی و چینی هستند.» (اسکارس، ۱۳۸۸: ۵۵۷). آرتورلین نیز در ظروف دوره قاجار، به رنگ‌های صورتی-طلایی پُررنگ و نوعی زرد تُند مات و همچنین الگوهای به‌وضوح تقلیدشده از چینی‌های ماسون/یرنستون^{۳۱}، اشاره نموده است که تأثیر دوباره شرق دور را از طریق غرب نشان می‌دهد. برخلاف نظر اسکارس، وی کیفیت ساخت این ظروف را نامرغوب می‌داند (Lane, 1957: 76).

تصویرهای ۱۶، ۲۰، ۱۸ و ۲۲، نمونه‌هایی از چینی‌های مینایی ساخت چین هستند که برای بازارهای شرق میانه تولید می‌شدند. تصویرهای ۱۵، ۱۷، ۱۹، ۲۱ و ۲۳ نیز ظروفی هستند که در ایران شبیه‌سازی شده‌اند و شباهت‌های آشکاری با نمونه‌های چینی در رنگ، طرح و نقش دارند. طرح عمده



تصویر ۱۵. بشقاب بزرگ، ساخت چین (چینی مینایی)، شماره: ۱۹۹۹۰۴۰، سان فرانسیسکو، در کتیبه نوشته شده: فرمایش حضرت اشرف السعد ارفع امجد والا مسعود میرزایمین الدوله ظل السلطان ۱۲۰۹ ه.ق. (<http://www.asianart.org>)



تصویر ۱۷. سفالینه مینایی، ساخت ایران، موزه ویکتوریا و آلبرت شماره: 1878-632

(<http://v&a.museum.collections.vam.ac.uk>).



تصویر ۱۶. نمونه‌ای از ظروف مینایی ساخت چین، موزه توپقاپی سرای (Krahl, 2000:75).



تصویر ۱۹. کاسه چینی مینایی، ساخت ایران، موزه بروکلین، شماره: 74.102.3 (<http://www.brooklynmuseum.org>)



تصویر ۱۸. کاسه چینی مینایی، ساخت چین، موزه توپقاپی سرای ترکیه (Krahl, 2000:75).

و نقش‌مایه‌های این سفالینه‌ها مورد الهام سفالگران اروپایی قرار گرفت. از سویی در اواخر سده نوزدهم میلادی، ایران در میان تمامی کشورهای مسلمان از بیشترین اعتبار برخوردار بود. در این سال‌ها، همگان گمان می‌کردند که سفالینه‌های عثمانی توسط سفالگران ایرانی یا تحت تأثیر هنر ایرانی ساخته می‌شدند. در واقع، فراگیر شدن این نظریه که آثار ایزنیک در اصل ایرانی‌اند در دهه ۱۸۹۰ م. / ۱۳۰۷ ق. متداول شد. به گونه‌ای که حتی بشقاب‌های ایزنیک برای بازار اروپا در اصفهان ساخته می‌شد. تنها در نخستین سال‌های سده بیستم میلادی / چهاردهم ه. ق. بود که پژوهشگران اروپایی به اهمیت تاریخی ایزنیک به‌عنوان یک مرکز ساخت و عرضه اشیای سفالین پی‌بردند (خلیلی و ورنویت، ۱۳۸۳: ۲۱۲). نقش‌مایه‌های به‌کاررفته روی این سفالینه‌ها، ترکیبی از گل‌های طبیعت‌گرا مانند انواع گل‌های میخک، سوسن، لاله، صدتومانی و گل‌ها و گیاهان به‌کاررفته در تذهیب و کاشی‌ها همچون اسلیمی و ختایی است. دلیل اینکه در آن سال‌ها کپی‌برداری از سفالینه‌های سده شانزدهم میلادی ایزنیک به گارگاه‌های سفالگری اصفهان

ظرف، شخصی با لباس اروپایی روی نردبانی در حال چیدن میوه‌های قرمز از درختی تصویر شده است. از دیگر سو در نمونه ایرانی آن، میوه‌های بزرگ‌تری مثل سیب یا انار جایگزین گیلان شده است (<http://collections.vam.ac.uk>).

- ظروف چندرنگ، تقلیدی از نمونه‌های ایزنیک^{۲۳} ترکیه عثمانی

اگرچه نمی‌توان تأثیرات متقابل سفال ایزنیک و سفالینه‌های دوره صفوی را نادیده گرفت لیکن پس از اینکه سفال ایزنیک نزول کرد، بار دیگر پس از نزدیک به سه قرن در پی برگزاری نمایشگاه‌های بین‌المللی هنر اسلامی سده نوزدهم میلادی در اروپا، این آثار مورد توجه قرار گرفتند. در این دوره، پژوهشگران و مجموعه‌داران غربی به آثار سرزمین‌های اسلامی علاقمند شدند و از آثار هنری سرزمین‌های اسلامی همچون آثار سفالی و سرامیکی استقبال کردند. در همین دوران بود که آثار سفالین سده شانزدهم میلادی ایزنیک برای نخستین بار توجه اروپائیان را به خود جلب کرد



تصویر ۲۱. کاسه چینی مینایی، ساخت ایران، موزه ویکتوریا و آلبرت، شماره: HMC.339 (<http://v&a museum.collections.vam.ac.uk>).



تصویر ۲۰. کاسه، ساخت ایران، موزه ویکتوریا و آلبرت، شماره: 980-1876 (<http://v&a museum.collections.vam.ac.uk>).



تصویر ۲۳. کاسه، ساخت چین، یافت شده در ایران، موزه ویکتوریا و آلبرت، شماره: 531-1888 (<http://v&a museum.collections.vam.ac.uk>).



تصویر ۲۲. کاسه، ساخت ایران، موزه ویکتوریا و آلبرت، شماره: 980-1876 (<http://v&a museum.collections.vam.ac.uk>).

سفارش داده می‌شد، این بود که اروپائیان و مجموعه‌داران غربی معتقد بودند تکنیک ساخت این آثار در آن زمان تنها در ایران انجام می‌شد. درباره نمونه‌ای از این بشقاب‌ها که در موزه ویکتوریا و آلبرت نگهداری می‌شود، چنین آورده شده که «این بشقاب توسط یک کمپانی انگلیسی به یک کارگاه سفالگری در اصفهان سفارش داده شده است (تصویر ۲۵). این کمپانی دو تصویر آبرنگی از بشقاب‌های سده شانزدهم میلادی ساخته شده در ایزنیک را تهیه کرده (از موزه قرض کرده است) و دو جین (۱۲ عدد) یا بیشتر، از هر نمونه سفارش داده است. این تکنیک و مواد هنوز در ایران استفاده می‌شود به همان صورتی که ۴۰۰ سال قبل در اتومان ترکیه بود. کپی‌ها به طرز قابل قبولی از اصل تقلید شده بودند که بعداً توسط موزه خریداری شدند.» (<http://collection.vam.ac.uk>). احتمالاً این تصور غربی‌ها، نشأت گرفته از پیشینه درخشان سفال تیموری و صفوی است.

اشتراکات مذهبی، مرز مشترک جغرافیایی ایران و ترکیه در سال‌های متممادی سبب تبادلات هنری، فرهنگی و اقتصادی بوده است. از سده‌های هشتم تا شانزدهم میلادی، در بناهای عثمانی کاشی‌کاری‌های قابل ملاحظه‌ای وجود دارد که از نظر سبک و تکنیک تأثیرپذیری، سبک کاشی‌کاران ایران و آسیای مرکزی را نشان می‌دهد. ویژگی اصلی طرح‌های گل و برگ‌دار سبک بین‌المللی تیموری که نشانگر اختلاط شگفت‌آور نقش‌مایه‌های سنتی اسلامی را با طرح‌های ملهم از نقوش چینی است، در انواع شاخه‌های هنری عثمانی در سده پانزدهم میلادی رواج یافت. سبک و امضای صنعتگران تبریزی در کاشی‌کاری بناهای ترکیه مؤید این نظر است. این هنرمندان صنعتگر با توسعه طیف رنگ‌ها به شیوه زیرلعابی و هفت‌رنگ، کاشی‌های

زیبا و دل‌فریب تولید کرده‌اند. در اوائل سده شانزدهم میلادی سلطان سلیم عثمانی (۱۵۲۰-۱۵۱۲ م. / ۹۲۷-۹۱۸ ه. ق.) در نبرد چالدران با صفویان، صنعتگران و هنرمندان تبریزی را افزون بر غنایم جنگی به غنیمت برد و در این زمان، اقتباس از سبک کاشی‌کاری ایرانی بار دیگر متداول شد. ضمن اینکه گروهی از این صنعتگران، در دوره سلطان سلیمان عثمانی (۱۵۶۶-۱۵۲۰ م.) نیز که قلمرو عثمانی بسیار گسترده شده بود، برای ساخت و تعمیر پروژه‌های ساختمانی دمشق، قبة الصخره و اورشلیم به کار گرفته شدند. بدین ترتیب، در محدوده زمانی‌ای نزدیک به سه قرن، مجموعه‌ای نفیس در ترکیه به سرپرستی کاشی‌کاران ایرانی راه‌اندازی شد (پورت، ۱۳۸۱: ۱۰۲-۹۹). در این باره آرتور لین بیان کرده که سال ۱۸۹۸ م. سفالگری ایرانی در اصفهان، نقشه‌های بشقاب‌های دمشق مربوط به گالری گادمن را استفاده کرده بود. وی کیفیت این ظروف را با عبارات ضخیم، شکننده و رنگ‌پریده با خمیره نخودی رنگ توصیف کرده است که طبق تقلیدهای بی‌نشان و رایج در فروشگاه‌های عتیقه‌فروشی ساخته شده‌اند (Lane, 1957: 60-61). بنابر مطالبی که بیان شد، این توصیف لین می‌تواند ناشی از نادیده انگاشتن ارتباط تنگاتنگ فرهنگی-هنری ایران و عثمانی و به خصوص پیشینه سفالگران ایرانی در عثمانی باشد (تصویرهای ۲۴ و ۲۵). دو نمونه بشقاب ساخت ایران از اواخر سده نوزدهم میلادی وجود دارد که شباهت بسیاری با بشقاب‌های ساخت ایزنیک سده شانزدهم میلادی دارند (تصویرهای ۲۶ و ۲۷). برای نمونه شکل ظرف، رنگ، طرح کلی، حاشیه موج و صخره و ترکیب‌بندی را برای شباهت آنها آورده شده است.



تصویر ۲۵. بشقاب، ساخت ایران، موزه اسمولن آکسفورد، EA. 1978.1483 (<http://v&a.museum.collections.vam.ac.uk>).



تصویر ۲۴. بشقاب، ساخت ایران، موزه ویکتوریا و آلبرت لندن، شماره: 125-1899 (<http://v&a.museum.collections.vam.ac.uk>).

در تصویر ۳۰، کاسه‌ای با تزئینات زیرلعابی نشان داده می‌شود که کلیت آن همچون شکل، ترکیب‌بندی، رنگ، نقش‌مایه‌هایی مانند بوته گل‌های طبیعت‌گرا در کارتوش‌ها و حاشیه‌های تزئینی آن ملهم از ظروف مینیایی وارداتی چین است. ولی تصویرهای اصلی نقاشی شده کف ظرف، سطوح خارجی و داخلی این ظرف، صحنه‌هایی از زندگی انسان‌های قاجاری را نشان می‌دهند. در منظره‌پردازی این صحنه‌های دارای اصول سه بعدنمایی مناظر در نقاشی اروپایی و شخصیت‌پردازی پیکره و چهره اشخاص، اصول شخصیت‌پردازی نقاشی مکتب قاجار رعایت شده‌است. دورتادور این فضای دایره‌شکل مرکزی، حاشیه باریکی با نقوش هندسی گیاهی و شرفه‌هایی تزئین شده که حواشی تزئینی تذهیب‌ها را تداعی می‌کند.

در تصویرهای ۳۰ و ۳۲ که دو نمونه از ظروف پلی کروم دوره قاجار است؛ نقش‌مایه گل میخک از سفالینه‌های ایزنیک

تأثیرات غیرمستقیم

می‌توان گفت تأثیرات غیرمستقیم ظروف سرامیکی خارجی بر نمونه‌های قاجاری، بازتابی از تأثیرات پذیرفته‌شده نقاشی قاجاری از اصول نقاشی اروپایی در این دوره است که در این ظروف نمایان شده‌است. این تأثیرات در مواردی چون برهنه‌گرایی در پوشش بانوان، بهره‌گیری از اصول سه بعدنمایی و چشم‌اندازها و صحنه‌های زندگی انسان‌های اروپایی در ترکیب با نقاشی ایرانی کاملاً ملموس است (تصویرهای ۲۸، ۳۳ و ۳۴). همچنین در تصویرهای ۶-۲، نمونه‌هایی از چشم‌اندازهای اروپایی روی ظروف وارداتی دیده می‌شود که نمایانگر این تأثیرات غیرمستقیم است. در انواع سفالینه‌های این دوره نظیر سفالینه‌های چندرنگ قاجاری و سفالینه‌های سفید-آبی این موارد قابل مشاهده است. آنچه پس از این آورده می‌شود، معرفی چند نمونه از این ظروف است.



تصویر ۲۷. بشقاب، ساخت ایران، موزه بریتیش، شماره: ME G 1983.21

(http://v&a_museum.collections.vam.ac.uk).



تصویر ۲۶. بشقاب، ساخت ایران، موزه بریتیش، شماره: ME G 1983.49

(http://v&a_museum.collections.vam.ac.uk).



تصویر ۲۸. کاسه سفالینه چندرنگ polychrom، موزه ویکتوریا و آلبرت شماره: 468-1878 (http://v&a_museum.collections.vam.ac.uk).



تصویر ۲۹. بشقاب، موزه ویکتوریا و آلبرت، شماره: 948-1898 (<http://v&a.museum.collections.vam.ac.uk>).



تصویر ۳۰. کاسه
(lane, 1957:190).



تصویر ۳۲. شمعدان، سده نوزدهم میلادی، مجموعه خلیلی، شماره: Pot 1536A
pot 1536 B، نقش میخک قرمز بر گردن ظرف (ورنویت، ۱۳۸۳: ۱۶۳).

تصویر ۲۹ اقتباس شده است که در ترکیب با طرح‌های ایرانی نیز دیده می‌شود. اقتباس چنین نقش‌مایه‌هایی در پی کپی‌های صرف از ظروف ایزنیک که پیش‌تر درباره آنها سخن رانده شد، بدیهی به نظر می‌رسد و دور از ذهن نیست که این نقش‌مایه‌ها در ذهن سفالگران باقی مانده و روی نمونه‌های داخلی ظاهر شده باشند. چنانکه نقوشی چون گل‌های میخک قرمز در ظروف چندرنگ کرمان در دوره صفوی نیز قابل مشاهده است (تصویر ۳۱).

در تصویر ۳۳، گلدانی از سفالینه‌های سفید-آبی دوره قاجار دیده می‌شود که بر سطح آن در سه وجه تصویرهایی از زندگی انسان‌ها با جامه‌های اروپایی به رنگ آبی کبالت روی زمینه سفید تصویر شده است. این پیکره‌ها از لحاظ ظاهری بسیار به هم مشابه‌اند و بجز آرایش مو و کلاه حتی در لباس و پوشش نیز تفاوت چندانی باهم ندارند. به نظر نمی‌رسد که بین این صحنه‌ها ارتباط موضوعی وجود داشته باشد و هدف از نقاشی آنها تنها تصویر کردن صحنه‌هایی از زندگی روزمره انسان‌های غربی بوده است. انتخاب چنین صحنه‌هایی با حضور انسان‌های غربی نظریه وضعیت سیاسی و فرهنگی ایران در دوره قاجار و ورود اروپائیان به این سرزمین، پدیده نوظهوری را نشان می‌دهد که در زندگی روزمره مردم احساس و ملموس شده است.



تصویر ۳۱. کوزه قلبان، سده شانزدهم میلادی، موزه اشمولین، شماره: EA1978.1712 (<http://www.ashmolean.org>)



تصویر ۳۳. گلدان، موزه فیتز ویلیام، شماره: (http://www.fitzmuseum.cam.ac.uk). C.84-1911



تصویر ۳۴. گلدان سفالینه چند رنگ، موزه طارق رجب،
شماره: 364.CER1773TSR

(feharvari ,2000: 300).

در تصویر ۳۴، سطح گلدان به صورت یک در میان در چهار قاب با طرح بانویی که در منظره طبیعی نشسته و نقش بوته گل و پرند، نقاشی شده است. گردن استوانه‌ای شکل ظرف نیز با بوته‌های گل‌های شکفته منقوش گردیده است. نزدیک شدن شکل گل‌ها و گیاهان به طبیعت از دیگر ویژگی‌های هنر دوره قاجار است که در این ظرف نیز قابل مشاهده است. در ترسیم پیکره بانویی که در این گلدان به تصویر درآمده، بطور کلی ویژگی‌های خاص هنر قاجار همچون ویژگی‌های ظاهری در نحوه لباس پوشیدن، آرایش مو و چهره‌ای با چشمان درشت و ابروان بهم پیوسته سیاه‌رنگ دیده می‌شود. نکته قابل توجه در این تصویر، برهنه‌گرایی است که در هنر درباری قاجار مرسوم شده بود. برهنه‌گرایی و عریان نمودن قسمت‌هایی از بدن و کنار رفتن روسری و سرپند، یقه دکلمه و آستین کوتاه در لباس بانوان، از اواخر دوره صفوی در هنر تصویرگری ایران به تدریج مرسوم شد که از تأثیرات نقاشی‌های اروپایی بر نقاشی ایرانی در آن دوره بوده است. این تأثیر در دوره قاجار شکل ملموس‌تری به خود می‌گیرد چنانکه در سایر آثار هنری این عصر از جمله کارهای زیرلاکی این ویژگی قابل مشاهده است.

درختان چتری و گیاهانی که در منظره پشت این پیکره قرار دارند اگرچه به صورت متقارن و بر پایه اصول سنتی در فضا قرار گرفته‌اند لیکن از گیاهان جدیدی هستند که از فرهنگ‌های تصویری دیگر چون شرق دور اقتباس شده‌اند.

جدول ۱. جدول تطبیقی ظروف سفالی و سرامیکی داخلی و نمونه‌های وارداتی در دوره قاجار

شماره	نمونه قاجاری	وجه اشتراک: تأثیرات مستقیم پذیرفته‌شده از طرح، نقش و رنگ، موضوع	نمونه خارجی؛ اروپا، چین و ترکیه	وجه افتراق؛ ویژگی قاجاری
بشقاب سفید- آبی، مقایسه تصویر ۱۲ با تصویرهای ۱۱ و ۰۷		شکل ظرف، رنگ آبی، منظره چینی؛ پاجودا، درخت بید و		نمونه ظروف سفید- آبی نائین، امضا در پشت بدنه، کمی از طرح چایی که به‌شبهه تزئینات زیرلعابی با دست اجراشده (تفاوت در شیوه تزئین)
بشقاب سفید- آبی، مقایسه تصویرهای بشقاب سفید- آبی، مقایسه تصویرهای ۱۴ و ۱۳		شکل ظرف؛ بشقاب توگود با لبه‌های پهن، نقوش مترام گاهی در جاشبه‌ها مشتق از ظروف انگلیسی و لبه‌های طلاکوب		بهره‌گیری از شیوه نقش کنده در کنار شیوه سفید- آبی که از خصوصیات ظروف نائین است. استفاده از تزئینات خوشنویسی مستلزم در فضای اصلی، اجرای تزئینات به‌شبهه زیرلعابی با دست (تفاوت در شیوه تزئین)
کاسه چینی مرغی، مقایسه تصویر ۱۶ با تصویر ۱۷		شکل ظرف، رنگ و ترکیب پهنی، شیوه تزئین؛ تزئینات رولعابی		تفاوت در جزئیات طرح؛ رنگ‌ها درختان، تز، اجرای نقوش به دقت و ظرافت نمونه اصلی نیست، صحنه‌های زندگی انسان‌های قاجاری و اروپایی جایگزین صحنه‌های زندگی انسان‌های چینی شده‌است
کاسه چینی مرغی، مقایسه تصویر ۱۸ با تصویر ۱۹		شکل ظرف، رنگ‌های به‌کاررفته، ترکیب کلی و شیوه تزئین؛ تزئینات رولعابی		تفاوت در جزئیات، طرح و شکل ظرف
کاسه چینی مرغی، مقایسه تصویر ۲۰ با تصویر ۲۱		شکل ظرف، رنگ‌های به‌کاررفته، ترکیب کلی و شیوه تزئین؛ تزئینات رولعابی		تفاوت در جزئیات، طرح و شکل ظرف
کاسه؛ تزئینات رولعابی، مقایسه تصویر ۲۲ با تصویر ۲۳		نقش، رنگ، شکل ظرف و شیوه تزئین		نقش با دقت و ظرافت نمونه اصلی اجرا نشده‌است

شماره	نمونه قاجاری	وجه اشتراک؛ تأثیرات مستقیم پذیرفته‌شده از طرح، نقش و رنگ، موضوع	نمونه خارجی؛ اروپا، چین و ترکیه	وجه افتراق؛ ویژگی قاجاری
بشقاب polychrome؛ تزئینات زیرلعابی، مقایسه تصویرهای ۲۴ و ۲۵ با تصویرهای ۲۶ و ۲۷		شکل ظرف، رنگ، ترکیب‌بندی، طرح و نقوش گیاهی، حاشیه موج و صخره، شیوه ساخت و تزئین		از نمونه‌های ساخت ایزنیک برای سفارش دهندگان عیناً کپی برداری می‌شده‌است
گلان polychrome؛ تزئینات زیرلعابی، مقایسه تصویرهای ۳۴ با تصویرهای ۳۳ و ۳۲		تأثیرات غیرمستقیم که از ناشی تأثیر اصول نقاشی غربی بر نقاشی ایرانی است همچون برهنه‌گرایی در لباس		شیوه تزئین؛ زیرلعابی، مناظر دورنما با حضور انسان‌های قاجاری در حواشی، تک‌پیکره بالون با ویژگی‌های چهره قاجاری و کلاه و لباس اروپایی
کاسه polychrome؛ تزئینات زیرلعابی، مقایسه تصویرهای ۱۶ و ۱۷		تأثیرات مستقیم از نقش گیاهان و رنگ چینی‌های مرغی ساخت چین، تأثیرات غیرمستقیم که از ناشی تأثیر اصول نقاشی غربی بر نقاشی ایرانی است همچون پوشش و کلاه زنان و مناظر و دورنماها	 نمونه‌ای از ظروف فلزی منبتی که ویژگی نقاشی قاجاری را نشان می‌دهد و شباهت زیادی به نمونه کاسه چندرنگ دارد.	از دوره صفوی نشأت گرفته و تا دوره قاجار هم دیده می‌شود
مقایسه تصویرهای ۳۰ و ۳۲ با تصویرهای ۳۳		اقتباس از موضوعات زندگی انسان‌های غربی		از دوره صفوی نشأت گرفته و تا دوره قاجار هم دیده می‌شود

(تکرارپذیر)



نتیجه‌گیری

در تمامی هنرها و صنایع همچون سفالگری به دلیل ارتباط تنگاتنگ هنرمند و مخاطب به‌عنوان مصرف‌کننده شیء هنری، هنرمندان همواره رویکردهای مطابق با سلیقه مخاطب را در آثار خود رعایت می‌کردند. همچنین، آنها به‌نوعی سعی در نگهداشتن بازار و درعین حال زمینه‌های هنری و نقش‌مایه‌های اعتقادی‌ای داشتند که به آنها ادای دین می‌کردند. در دوره قاجار نیز که مصرف‌کنندگان با انبوه سفالینه‌های وارداتی از سوی اروپا و خاور دور مواجه و به سمت آن گرایش یافته‌بودند، سفالگران داخلی می‌کوشیدند تا ارتباطی بین سنت‌ها و سفالینه‌های وارداتی برقرارکنند.

با بررسی نمونه‌هایی از تولیدات ظروف سفالی در دوره قاجار و مقایسه آنها با نمونه‌های وارداتی، نتیجه‌ای که به‌دست می‌آید این است که در این دوره ظروف ایرانی از نظر شکل، طرح، نقش و رنگ تأثیراتی از نمونه‌های مشابه اروپایی و چینی پذیرفته‌اند. در این زمینه، ظروف سفید-آبی ساخت نائین به‌طرز آشکاری در رنگ، نقش و گاهی شکل ظرف از ظروف انگلیسی و ساخت چین متأثر بوده‌است. ضمن اینکه، تزئینات ایرانی نیز در آنها به‌کار رفته‌است. چینی‌های مینایی شبیه‌سازی شده از نمونه‌های وارداتی چینی افزون‌بر استفاده از رنگ‌های مشابه، آمیزه‌ای از مضامین ایرانی و چینی را به‌نمایش می‌گذارند. ظروف تقلیدی از ظروف ایزنیک نیز بیشتر با تقلید صرف و گاه نوعی اقتباس در نقش‌مایه و رنگ تولید شده‌اند. در بسیاری از سفالینه‌های سفید-آبی و چندرنگ قاجار نیز به‌کارگیری سه‌بعدنمایی، برهنه‌گرایی، انتخاب مضامین همانند مناظر و چشم‌اندازها، صحنه‌هایی از زندگی انسان‌ها و ساختمان‌ها، اقتباس برخی نقش‌مایه‌ها همچون بیشتر گل‌ها و گیاهان و تأثیرات نمونه‌های خارجی درخور توجه است که همگی بازتابی از اصول پذیرفته‌شده نقاشی غربی است. باوجود این تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم، هنرمندان قاجاری نقوش عاریت‌گرفته از کالاهای وارداتی چین، اروپا و ترکیه را به‌تدریج براساس فرهنگ بومی خود تغییردادند و بطور خودآگاه و ناخودآگاه هویت خود را در آن جلوه‌گر ساختند.

پی‌نوشت

- 1- Wilm Floor
- 2- Traditional craft in Qajar Iran (1800-1925)
- 3- Gaza Fehervary
- 4- Ceramics of the Islamic world in the Tareq Rajab Musum
- 5- Arthur Lane
- 6- Later Islamic pottery
- 7- Oliver Watson
- 8- Islamic art in the 19th century (tradition, innovation and eclecticism)
- 9- Jennifer Scarce
- 10- J. E. Polak
- 11- J. Rochechouart
- 12- L.J. Olmer

۱۳- میرزا هدایت‌الله آشتیانی بختیاری وزیر دفتر ناصرالدین شاه از خاندان مستوفیان آشتیانی و از ایل بختیاری است.

- 14- British china
- 15- Porcelain (چینی سخت)
- 16- Benjamin
- 17- Donovan

۱۸- کارخانه انگلیسی Wedgwood and son متعلق به فردی به‌نام Wedgwoodjosiah است (pearsall, 1997:52).
 ۱۹- درمیان یادداشت‌ها و گزارشات کمپانی هند شرقی نیز نوشته‌ای متعلق به ۲۷ ژوئن ۱۸۱۰م. وجود دارد که در آن پرداخت ۱۳۰۰ پوند در ازای دو سرویس ظروف غذاخوری برای فتحعلی‌شاه به‌ثبت رسیده‌است (خلیلی و ورنویت، ۱۳۸۳: ۱۵۲).



20- Missen

21- Sever

۲۲- Staffordshire شهری صنعتی در انگلیس که در صنعت چینی سده نوزدهم میلادی، پیش‌رو بوده است (pearsall, 1997:27).

23- Willowpattern

24- willow

۲۵- در طبقه‌بندی سفالینه‌های ادوار مختلف، همواره مبنای انتخاب نام سفالینه علاوه بر شیوه ساخت و تزئین برحسب معروفیت و شهرتی که نزد مردم و صاحبان فن داشته‌اند، بوده است. چنانکه در انواع سفالینه‌های دوره صفوی به سفال زرین‌فام (شیوه تزئین)، سفال کوباجه و گامبرون (نام مکان)، سفال سفید آبی (رنگ) و ... اشاره می‌شود. پژوهشگران، نویسندگان و سیاحان هریک از دید خود سفالینه‌های قاجاری را طبقه‌بندی و به آن اشاره نموده‌اند. برای نمونه، دو رشت‌سوارت آنها را به چینی، بدل چینی و سفالینه تقسیم کرده است. همچنین واتسون سفالینه‌های قاجاری را در قالب هفت دسته که شاید هیچ سختی با یکدیگر ندارند بدین شرح طبقه‌بندی کرده است: ۱. ادامه تولیدات سنتی ۲. ظروف ساخت نائین ۳. سفالینه‌های مینایی ۴. سفالینه‌های مکتب علی محمد و شاگردانش ۵. سفال زرین‌فام ۶. سفالینه‌های روستایی (محلی) ۷. سفالینه‌های جعلی سازی شده (Watson, 2006).

26- polychrome

۲۷- «معماری سنتی چین به‌ویژه معماری بودایی شکل خاصی از معماری را به نام پاگودا به جهان عرضه کرد که در نظر برخی به سمبل سرزمین چین تبدیل شد. این برج‌ها که با تعداد زیادی قرنیزهای بالدار و چتر آفتابی در رأس آن، در فضاهای طبیعی برافراشته می‌شوند و جزء طبیعی آن نقاط به‌نظر می‌رسند در منشأ از استوپای هندی تقلید شده‌اند.» (مددپور، ۱۳۸۳: ۳۵۰).

۲۸- اسگرافیتو (Sgraffito) از کلمه اسگرافایر ایتالیایی گرفته شده که به معنای خراش دادن است و به تکنیکی از سفالگری اسلامی اطلاق می‌شود که در آن شیء با یک پوشش گلی نازک پوشانده می‌شود و سپس طرح روی آن قبل از لعاب اصلی حکاکی می‌شود (آلن، ۱۳۸۳: ۵).

29- Stylize

۳۰- "وَأُخْرَى تَجَبُّوْنَهَا نَصْرٌ مِّنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ" (نعمت دیگری که آن را دوست دارید، یاری و نصرت از جانب خداوند و پیروزی نزدیک است و (ای پیامبر!) مؤمنان را بشارت‌ده)، (صف/۱۳).

31- Masons Ironston china

یک تاجر موفق ظروف چینی در لندن بود که در تاریخ ۱۸۲۲م. درگذشت. وی قبل از اینکه ساخت ظروف سفالی خودش را در استفوردشایر آغاز کند، ظروف چینی وارد می‌کرد. تحت تأثیر توقف صادرات ظروف چینی از کمپانی هند شرقی در سال ۱۷۹۱م. تصمیم گرفت که کارخانه خودش را تأسیس کند و از تلفیق الگوهای چینی به‌خصوص الگوهای rosefamille با اروپایی، شیوه خاص خود را به‌وجود آورد که با ذائقه عموم سازگارتر بود و از عوامل شهرت و موفقیت وی گشت (<http://collections.vam.ac.uk/item/O9479/vase>).

32- Baudoin Antoine

33- Iznik

منابع و مآخذ

- آلن، جیمز ویلسن (۱۳۸۳). *سفالگری اسلامی*، ترجمه مهناز شایسته‌فر، چاپ دوم، تهران: مؤسسه انتشارات هنر اسلامی.
- اسکارس، جنیفر و مجموع نویسندگان (۱۳۸۸). *تاریخ ایران کمبریج (هنرهای سده‌های ۱۸ و ۱۹ ایران)*، گردآورنده پیترو آواری، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، ج ۷، تهران: جامی.
- پورتر، ونیتیا (۱۳۸۱). *کاشی‌های اسلامی*، ترجمه مهناز شایسته‌فر، تهران: مؤسسه هنر اسلامی.
- تحویلدار، میرزا حسین خان پسر ابراهیم خان (۱۳۸۸). *جغرافیای اصفهان*، چاپ اول. تهران: اختران.
- توحیدی، فائق (۱۳۸۲). *فن و هنر سفالگری*، چاپ دوم، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- جمالزاده، محمدعلی (۱۳۸۴). *گنج شایان؛ اوضاع اقتصادی ایران در دوره قاجار*، تهران: سخن.
- خلیلی، ناصر و ورنویت، استفان (۱۳۸۳). *گرایش به غرب در هنر (قاجار، عثمانی و هند)*، ترجمه پیام بهتاش، ج ۶، چاپ اول، تهران: کارنگ.
- روزنامه وقایع‌الافتاقیه (۱۳۷۰). ج ۲ و ۴، تهران: کتابخانه ملی ایران.
- روش‌سوارت، ژولین دو (۱۳۷۸). *خاطرات سفر ایران*، ترجمه مهران توکلی، چاپ اول، تهران: نی.
- سعدوندیان، سیروس (۱۳۸۸). *عدد ابنیه، شمار نفوس از دارالخلافه تا تهران ۱۲۳۱ - ۱۳۱۱ خورشیدی*، تهران:

- سازمان چاپ و انتشارات و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- عین السلطنه، قهرمان میرزا (۱۳۷۷). روزنامه خاطرات عین السلطنه، به کوشش ایرج افشار و مسعود سالور، ج ۱، تهران: اساطیر.
 - مددپور، محمد (۱۳۸۳). آشنایی با آرای متفکران درباره هنر، ج ۱، چاپ اول، تهران: سوره مهر.
 - Feharvari, G. (2000). **Ceramics of the Islamic World in the Tareq Rajab Museum**. London: I.B.Tauris.
 - Floor, W. (2003). **Traditional Craft in Qajar Iran (1800-1925)**. California: Mazda.
 - Krahl, R. & Ayers, J. (2000). **Chinese Ceramics in the Topkapy Saray Museum (A Complete CatalogueIII)**. London: Sotheby's Publication.
 - Lane, A. (1957). **Later Islamic Pottery**. London: Faber & Faber.
 - Pearsall, R. (1997). **A Connoisseur's Guide to Antique Pottery & Porcelain**. New York: Smithmark.
 - watson, O. (2006). Almost Hilariously Bad: Iranian Pottery in the Nineteenth Century. In: **Islamic Art in the 19TH Century: Tradition, Innovation and Eclecticism**. Behrens, Doris., Abouseif & Vernoit, Estefan. (eds). Leiden/Boston: Brill.
 - <http://v&a.museum.collections.vam.ac.uk>. (access date: 20/10/2011).
 - <http://78.136.16.170/Museum/statement.asp>
 - <http://www.brooklynmuseum.org>
 - <http://www.asianart.org>
 - <http://www.fitzmuseum.cam.ac.uk>
 - <http://www.ashmolean.org>

Archive of SID